

بوم خبر

پایان تعطیلات در گالری ها

بسیاری از گالری های تهران در حالی که بر اساس یک رسم قدیمی در تعطیلات نوروز امسال نیز نمایشگاهی ارائه نداده بودند، برای پایان این هفته و در نخستین ماه سال ۹۸ نمایشگاه هایی را در نظر گرفته اند!ایسنادر این گزارش مروری دارد بر برخی نمایشگاه ها که در این ایام برقرار هستند: نمایشگاه انفرادی نقاشی زینب پور اسکندریان با عنوان «آنجای دیگر» که از تاریخ ۱۶ فروردین ماه در گالری سایه افتتاح شده است، تا ۲۱ فروردین ادامه دارد. همچنین این گالری از تاریخ ۲۳ تا ۲۸ فروردین میزبان نمایشگاه انفرادی چیدمان نسرين یوسفی با عنوان «خویشتن» است. نمایشگاه انفرادی نقاشی جوزپه سالواتوره باریلارو با عنوان «هویت اشکال» از تاریخ ۲۳ فروردین تا دوم اردیبهشت ماه در گالری ساریان برپاست. گالری ساریان در خیابان سهروردی شمالی، خیابان هویزه غربی، نبش شهید یوسفی، پلاک ۱۳۰ واقع شده و هر روز (به غیر از سه شنبه ها) از ساعت ۱۶ تا ۲۰ امکان بازدید دارد. همچنین نمایشگاه انفرادی نقاشی فریا گر جیان با عنوان «منحنی فراموشی» از ۲۳ فروردین تا چهارم اردیبهشت ماه در گالری سیحون بر گزار می شود. این گالری از شنبه تا پنجشنبه از ساعت ۱۱ تا ۱۹ و جمعه ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ امکان بازدید دارد. گالری شیرین نیز از تاریخ ۲۳ فروردین ماه تا چهارم اردیبهشت ماه میزبان دو نمایشگاه خواهد بود. بر این اساس نمایشگاه انفرادی فرح سلطانی با عنوان «بی شمار» و نمایشگاه گروهی با عنوان «نور چشمی های اتاق آئینه» نخستین نمایشگاه های سال ۹۸ این گالری محسوب می شوند. این گالری در خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه ۱۳، پلاک ۵ واقع شده است. ساعت بازدید از این نمایشگاه نیز هر روز به غیر از دوشنبه ها از ساعت ۱۱ تا ۱۹ اعلام شده است.



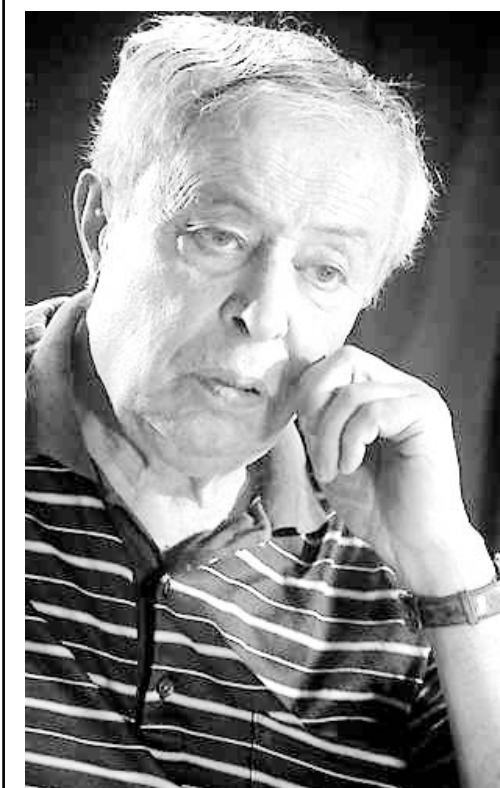
گالری دنانیز در نخستین ماه سال ۹۸، از تاریخ ۲۳ تا ۲۸ فروردین میزبان دو نمایشگاه گروهی تصویرسازی آثار نگین احتسابیان، سارافضلی، هاله پارسازادگان، جمال رحمتی، هادی رحمتی، افسانه صاعی، نوروز عباسی و علی کیانی با عنوان «هرج سحر» و نمایشگاه انفرادی عکس حسن اشعینامی پور با عنوان «زمان بین پرانتز» است. گالری طراحان آزاد نیز از ۱۶ فروردین ماه میزبان نمایشگاه گروهی گرافیک است که تا ۲۸ فروردین ماه نیز ادامه دارد. در این نمایشگاه آثار مجتبی ادیبی، ابوسعد اسکندری، گلنار اسماعیلی، رضا باجاجانی، پیمان پور حسین، مازیار پهلوان، بهراد جوانبخت، شهرزاد جنگلویی، محمد خدانشناس، هما دلورای، ایمان راد، ساناز سلطانی، ضاعابدینی، کسری عابدینی، محمدرضا عبدالمعلی، وحید عرفانیان، علیرضا عسکری، فرهومن علیرادهمیرعنایتی، فرهاد فروزی، امیر علی قاسمی، آریا کسایی، سام کشمیری، مسعود مرگان، آرمین مهدوی، علی میر عظیمی، امید نعم الحیب، رامبد والا و... ارائه شده است. همچنین نمایشگاه انفرادی نقاشی آزاده مدنی از ۳۰ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت ماه در این گالری برپا خواهد بود. نمایشگاه انفرادی نقاشی شهبان تابان فر با عنوان «موج» نیز از ۲۳ فروردین تا ۳۰ فروردین در گالری آریا بر گزار می شود. همچنین ساعات بازدید از این نمایشگاه از هر روز ۱۴ و ۲۰ و جمعه ها ۱۶ تا ۲۰ اعلام شده است. گالری از ۲۳ فروردین ماه تا چهارم اردیبهشت ماه میزبان نمایشگاه انفرادی داریوش حسینی خواهد بود. همچنین امکان بازدید از این نمایشگاه از یکشنبه تا پنجشنبه از ساعت ۱۲ تا ۲۰ و جمعه ها ۱۶ تا ۱۲ اعلام شده است. نمایشگاه گروهی «جنگجو» از ۲۳ فروردین تا سوم اردیبهشت ماه در گالری والی بر گزار است. گالری والی در میدان ونک، خیابان شهید خدای، پلاک ۷۲ واقع شده و ساعات بازدید نیز از هر روز (به غیر از شنبه ها) ۱۲ و ۲۰ و جمعه ها ۱۶ تا ۲۰ اعلام شده است. نمایشگاه انفرادی فریدون امیدی با عنوان «درخشش» از ۳۰ فروردین ماه تا ۹ اردیبهشت ماه در گالری ایوان بر گزار می شود. همچنین ساعت بازدید از این نمایشگاه هر روز (به غیر از شنبه ها) ساعت ۱۶ تا ۲۰ اعلام شده است.

در شرایطی که چرخه خرید و فروش آثار تجسمی در سال های گذشته روند فزاینده ای از بی اعتمادی و نگرانی را در فضای هنری به همراه داشت، افشای انتقال تعدادی از آثار ایرانی گنجینه موزه هنر های معاصر تهران و فروش آن ها در حراج تهران در سال ۹۷ نقطه اوج این نگرانی ها را شکل داد

سال فقدان های بزرگی در هنر های تجسمی هم بود. در این میان نام دو هنرمند شاخص به دلبستگی تاریخی اثر گذار تر به نظر می آید؛ دو هنرمند از نسل های آغازگر هنر مدرن ایران یعنی محسن وزیری مقدم و لیلیت تریان که هر دو از پیشگامان آموزش های نوین هنر های تجسمی، همینطور نقاشی و مجسمه سازی ایران شمرده می شوند. وزیری مقدم از شاخص ترین نقاشان نوگرای ایران بود و از نخستین دانش آموزان دانشگاه هنر های زیبای دانشگاه تهران بود که در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ ریاست این دانشکده را هم بر عهده داشت. وزیری مقدم در بیست و نهمین بی پنال جهانی ونیز در سال ۱۳۳۷ با اثری به نام «شهر ایرانی» شرکت کرد و نمایشگاه های بسیاری از آثارش در شهر های اروپا و ایران برگزار شد. لیلیت تریان دیگر هنرمند فقید هم از اولین نسل مجسمه سازان ایرانی است که این هنر را در مدرسه بوزار فرانسه فراگرفت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۳۹ آموزش این رشته را در دانشکده هنر های تزئینی دانشگاه تهران آغاز کرد. لیلیت تریان در سال ۱۳۵۷ خانه پدری اش را به «کارگاه هنر» تبدیل کرد و در چهار دهه گذشته در همین کارگاه به کار و آموزش مجسمه سازان جوان می پرداخت.



هنر های تجسمی برای خود افراد این میدان هم جز در عرصه اقتصاد و شهرت سازی کار کرد دیگری ندارد. عرصه هنر های تجسمی امروز عرصه ای کاملاً اقتصاد زده است و به نظر می رسد ورود این هنر به عرصه عمومی نیز تنها ضامنی برای امتداد بازار است. این سویه از اقدام فرهنگی، سویه ای اثر گذار نیست. شاید بهتر آن است که سیاست های کلان در سال جدید بیشتر بر مبانی تصحیح رویه غلط در سیستم نمایشگاه داری و مرادات اقتصادی این حوزه باشد تا تلاش برای ورود این حوزه به عرصه عمومی. برآیند آن چه که به نظر می آید آن است که این فعالیت ها در نهایت با راز نوعی رزومه یا سندسازی برای گسترش فعالیت های اقتصادی فراتر نمی گذارد که البته در حوزه خصوصی این نوع فعالیت ها یعنی عمومی کردن هنر تجسمی سرعت بیشتری گرفته است. امید است که در این رابطه کمی تأمل بیشتری بکنیم.



آثار خط و خوشنویسی «باران» بادست یافتن به بهای ۷ میلیارد و هفتصد میلیون تومانی برای یک اثر صنایع دستی این معادله را دست کم در سال گذشته به نفع خود تغییر داد. اهمیت این رخداد از آن جهت است که اگر علیرغم ناشفاف بودن فعالیت های حراجی های هنری داخلی، تنها آمار ارائه شده از سوی این مراکز را مبنا قرار دهیم، از دست رفتن میزان بهای آثار هنری در برابر صنایع دستی را می توان در یک نگاه عمومی به کم ارزش تر شدن معیار های خلاقانه و پیشرو، و در مقابل پر ارزش شمردن صنایع نفیسه تعبیر کرد. این شاید نشانه های جدی تر روند مخربی باشد که حراجی های آثار هنری در سایه ارجح شمردن منافع مجموعه داران و گالری دارها بر اصالت های هنری برای سال ها در پیش گرفته بودند.

سال فقدان های بزرگ
گذشته از همه این ها سال ۹۷، انگار

ا ر تباط با نحوه نگهداری از این گنجینه بزرگ و ارزشمند ملی ایجاد کرد. این را باید یکی از مهم ترین رخداد های سال گذشته به حساب آورد که بدون تردید فضای عرضه و تقاضای آثار هنری را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

از دست دادن رکورد فروش آثار تجسمی به نفع یک اثر در رده صنایع دستی نفیس، اتفاق دیگری بود که در سال ۹۷ به تغییر معادلات عرضه و تقاضا در بازار هنر منجر شد. فارغ از صحت و سقم آمار های فروش از سوی برگزار کنندگان حراجی ها در سال های گذشته، رکورد فروش آثار تجسمی در داخل کشور تاکنون به نقاشی هایی از سهراب سپهری مرتب بود که در نهمین دوره از حراج تهران با رقم پنج میلیارد و یک صد میلیون تومان اعلام شد؛ اما سال ۹۷ زمان از دست رفتن این رکورد به ضرر هنر های تجسمی و به سود هنر های دستی بود. به این ترتیب سومین حراج

قطعیّت یافتن صحت و ابعاد این اقدامات بود که باید گفت نگرانی های دیرپای بخشی از هنرمندان و فعالان هنر های تجسمی را دامن زد. نگرانی هایی که پیش از این نیز بارها و بارها به شکل های مختلف وضعیت آثار موجود در گنجینه موزه هنر های معاصر تهران را مورد پرسش قرار داده بود. افشای این موضوع از آنجا با اهمیت تلقی می شود که اگر تاپیش از این دامنه مناسبات ناسالم و مخرب در عرضه و تقاضای آثار تجسمی در حیطه عملکرد اشخاص و حلقه های خاصی متصور می شد، اما کشیده شدن تخلف ها به یک نهاد رسمی و مرجع در حوزه هنر های تجسمی ابعاد غیرمنتظره و گسترده تری را به نمایش گذاشت. به این ترتیب خروج تعدادی از آثار خریداری شده برای گنجینه موزه و ارائه آن در حراج تهران به وضوح ناقض لزوم مصوبه دولتی برای هر گونه نقل و انتقال این آثار تلقی شد و از سوی دیگر نگرانی های بیشتری را در

تحت تأثیر قرار داد، چگونه رخ داد؟
ماه هایی که به تغییر معادلات عرصه هنر های تجسمی منجر شد
سال ۹۷ انگار بیش از هر چیز سال اوج گرفتن بعضی نگرانی های عمده در فضای هنر های تجسمی بود که هنرمندان و فعالان عرصه تجسمی از مدت ها پیش درگیر آن بودند.

در شرایطی که چرخه خرید و فروش آثار تجسمی در سال های گذشته روند فزاینده ای از بی اعتمادی و نگرانی را در فضای هنری به همراه داشت، افشای انتقال تعدادی از آثار ایرانی گنجینه موزه هنر های معاصر تهران و فروش آن ها در حراج تهران در سال ۹۷ نقطه اوج این نگرانی ها را شکل داد. این اخبار که ابتدا از سوی افشین پرورش خبرنگار آزاد هنری در صفحات مجازی او مطرح شد، در ادامه با انتشار ویدئوها و مصاحبه هایی با هنرمندان صاحب آثار ابعاد رسمی تری به خود گرفت و قطعیت پیدا کرد. همین

بهر روز فائقین

فهرست نویسی سالانه از اتفاقات و رویدادهای با اهمیت در عرصه فرهنگ و هنر مدت ها است که به یک سنت در روزنامه نویسی بدل شده؛ رسمی حقیقی رخدادها یا که به جا آورده شود و هنر های تجسمی هم از این سنت مستثنی نیست. تلقی عمومی از چنین فهرست هایی هم عموماً در یادآوری مجموعه ای از اتفاقات خوش و موفقیت آمیزی است که نصیب هنرمندان و فعالان هنری ایرانی شده یا به اصطلاح رکوردهایی را به جا گذاشته است. اما آنچه فضای هنری را دستخوش تحولات و دگرگونی های جدی تر می کند، حقیقتاً در چه جنبه هایی از رخدادها و اتفاقات باید جستجو کرد؛ یا دست کم آنچه فضای هنر های تجسمی را در سال گذشته

گزارش

آیا هنر های تجسمی امکان ورود به عرصه عمومی را دارد؟

امتداد سیاست های غلط برای مردمی کردن هنر تجسمی

علیرضا بخشی استوار

هنر های تجسمی در ایران به عنوان یک شاخه مهم در عرصه هنر، هم چنان در تکاپویی برای اثر گذاری بر عموم مردم پیش می رود. طی سال های اخیر جایگاه این حوزه به دلیل ورود سرمایه و اهمیت مسئله اقتصاد هنر دچار تغییراتی شده است. پرداختن به مباحث این حوزه در رسانه های جمعی و سیاست گذاری های کلان فرهنگی نیز مویذ این تغییرات است. اما متناسب با این مولفه ها و تغییراتی که در سیاست ها به وجود آمده است چند سوال و پرسش اساسی مطرح می شود که این پرسش ها مدخلی است برای ورود به نقد برخی تناقض هایی که در این عرصه بروز کرده است. طی شاید نزدیک به ۵ سال است که جشنواره ها و رویداد هایی به وجود آمده است که قصدشان مواجه کردن مردم با هنر های تجسمی بوده است. جشنواره هایی مانند «بهارستان» که همه ساله نزدیک به روز های عید در تهران برگزار می شود. برخی سیاست هادر جشنواره فجر هنر های تجسمی نیز طی سه دوره گذشته این نگرش را دنبال می کردند و اخیراً در حوزه خصوصی نیز برخی رویدادها مانند «هفته هنر تیر» نیز مسئله ورود هنر های تجسمی به عرصه عمومی را دارند. اما سوال اینجاست که آیا شرایط فهم این عرصه برای مردم هم به وجود آمده است و از سویی آیا این

عرصه یعنی هنر های تجسمی به عنوان یک هنر نخبه گرا کیفیت مردمی شدن را دارد؟ و آیا اصلاً نیازی هست؟ هنر تجسمی و اقتصادش در چه زمینه ای نیاز به پویایی دارد؟ به نظر می آید زمینه ای فارغ از اقتصاد نمی تواند موجب این سیاست گذاری در جهت ورود هنر تجسمی به عرصه عمومی باشد. سال ها است که در محافل خصوصی بحث بر سر این مطلب در جریان است که مردم در اروپا برای خانه شان اثر هنری خریداری می کنند و به عنوان یک جنس زیبا به لحاظ اقتصادی نیز سر مایه گذاری می کنند. از این حیث چند نکته وجود دارد این که آیا به واقع زمینه های فرهنگی ما چنین پتانسیلی را برای مایه وجود آورده است که ما بتوانیم توقع این را داشته باشیم تا مردم اثر هنری را به عنوان یک ذاتقه زیبایی شناسی بپذیرند و بابت آن هزینه کنند؟

با یک بررسی ساده می توان فهمید اگر امروز اثر هنری در خانه مردم اروپایی هست حاصل یک سیر تاریخی و مواجهه مدت دار مردم با این آثار است. حتی می توان گفت اثر هنری در تاریخ کشورهای اروپایی ساحتی کار کردی داشته است. هنر در اروپا ابتدا از ساحتی آریستوکراسی به ساحت درباری و از دربار به کلیسا و از کلیسا به سوی نخبگان و سپس دروجه پاپ ارت وارد خانه های مردم شده است. اما این روند در سنت فکری و فرهنگی ما چه جایگاهی دارد؟ هنری که در خانه مردم اروپا هست ساحتی متفاوت با